

واکوی سندی و محتوایی حدیث «لعن الله الیهود و النصراری اتخذوا قبور انبیائهم مساجد»

مهدی عبادی^۱
محسن مرزانی^۲
علی عربی آیسک^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۸

چکیده

حدیث نبوی مشهور «لعن الله الیهود و النصراری اتخذوا قبور انبیائهم مساجد» در بسیاری از مصادر حدیثی شیعه و سنی آمده و تفسیرهای متفاوتی از آن صورت گرفته است. برداشت‌های گوناگون از این حدیث سبب اختلافات عمیق علمی شده است. بنابراین، یکی از مسائل اختلافی میان مسلمانان و وهابیان، ساختن بنا و بارگاه و گنبد بر روی قبور انبیا، اولیا، صحابه و علما است. مسأله اصلی این است که سلفیان با تکیه بر مبانی خویش، تفسیری گسترده از این حدیث نموده و بر اساس آن، بسیاری از مسلمانان را به خاطر ساختن زیارتگاه و بناهای یادبود بر قبور بزرگان دین، متهم به شرک نموده‌اند. با توجه به این‌که این حدیث، به خاطر کثرت اسناد و طرق آن، از جهت سند قابل خدشه چندان نبوده، لازم است بر روی دلالت روایت و سبب صدور و چگونگی تفسیر آن متمرکز شد و جایگاه حدیث مذکور با ظواهر قرآن و روایات معتبر دیگر و نیز واقعیات مسلم تاریخی بررسی شود. گفتنی است که ارائه تفسیر صحیح و مستند از این گونه نصوص دینی بهترین راهکار برای مقابله با پدیده تکفیر است. با رویکرد تحلیلی در این جستار معلوم شد که از بین احتمالات مطرح شده، فقط قبله قرار دادن قبر و عبادت صاحب قبر مصداق شرک و مدلول روایت است و تنها کسانی که آگاهانه دچار غلو شده و اولیای خدا را در کنار او پرستش می‌کنند، مشمول روایت هستند.

کلیدواژه‌ها: یهود و نصارا، مسلمانان، بنای قبور، شرک.

۱. استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شاهرود، شاهرود، ایران. (نویسنده مسئول)

(mahdi.ebadi.mail@gmail.com)

۲. دانش پژوه سطح چهار کلام مقارن، مرکز تخصصی مطالعات تطبیقی مذاهبی اسلامی واحد مشهد

(mohzahfa1390@gmail.com)

۳. استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (نویسنده مسئول) (aliarabihadis@yahoo.com)

مقدمه

بر اساس منابع معتبر روایی اهل سنت، آخرین وصایای پیامبر ﷺ در واپسین روزهای زندگی پرمصیبتشان حاکی از نگرانی ایشان از غلو مسلمین درباره ایشان بود و لذا نگرانی خویش را در ضمن انتقاد شدید از عمل مشابهی که پیروان انبیای قبل مرتکب شده بودند، به اصحابشان ابراز نمودند و فرمودند:

لعن الله اليهود والنصارى اتخذوا قبور انبيائهم مساجد.^۱

درباره نهی آمده در این روایت چندین احتمال داده شده است: نهی شده از سجود بر قبور انبیا،^۲ نهی شده از قبله قرار دان قبور انبیا و خواندن نماز به سمت آن‌ها،^۳ نهی شده از تعظیم اموات و نماز در نزد آن‌ها، چون مانند تعظیم اصنام و تقرب به آن‌هاست؛^۴ یعنی حرمت در صورتی است که این کار به خاطر تعظیم نسبت به جایگاه انبیا و توجه در نماز به سمت ایشان یا ترس از اعتقاد غیرجایزی در این مورد باشد؛ نه مسجدسازی در جوار انسان صالح و با قصد تبرک جستن با نزدیک شدن به او.^۵ مراد از نهی، کراهت نماز در صورتی که رو به قبر باشد؛^۶ مگر در صورتی که ساتری بین نمازگزار و قبر باشد.^۷ برخی این حکم را مربوط به همان عهد و زمان صدر اسلام دانسته‌اند؛ چون نزدیک زمان عبادت بت‌ها بوده است.^۸ حنا بله معتقدند: اگر مسجد سه قبری یا بیشتر داشته باشد، نماز خواندن حرام و باطل است؛ اما اگر یک قبری یا دو قبر باشد، نماز در صورتی که رو به قبر باشد، کراهت دارد و در غیر این صورت، کراهت ندارد.^۹ برداشت‌های گوناگون از این حدیث سبب اختلافات عمیق علمی شده است و یکی از موضوعات و مسائل اختلافی میان مسلمانان و وهابیان، ساختن بنا و بارگاه و گنبد بر روی قبور انبیا، اولیا، صحابه و علما است. پیروان ابن تیمیّه، به ویژه وهابیت، با تفسیر خاص از حدیث مذکور، اکثریت امت اسلام را به سبب ساخت بناهایی بر قبور اولیای الهی

۱. المعجم الكبير، ج ۱، ص ۱۶۴.

۲. تنویر الحوالک، ص ۱۸۹؛ التمهید، ج ۶، ص ۳۸۱.

۳. تنویر الحوالک، ص ۱۸۹؛ التمهید، ج ۶، ص ۳۸۱؛ الوهابیون و البیوت المرفوعة، ص ۸۳.

۴. المغنی، ج ۲، ص ۳۸۱.

۵. نظم المتناثر من الحدیث المتواتر، ص ۱۲۲.

۶. فقه السنة، ج ۱، ص ۲۵۴.

۷. المحلی، ص ۳۲.

۸. نیل الأوطار، ج ۴، ص ۱۴۰.

۹. فقه السنة، ج ۱، ص ۲۵۴.

تکفیر نموده و آن‌ها را به غلو و شرک متهم می‌کنند.^۱ ایشان با توجه به شمول حدیث مسجد ساختن در جوار پیامبری یا انسان صالحی را حتی به قصد برکت در عبادت و مجاورت با روح مطهر قبر تحریم کرده و زیارت قبور را مشروع نمی‌دانند و مورد انکار سلف می‌دانند.^۲

بنابراین، ضروری است این روایت واکاوی دقیق شود تا منظور حدیث روشن شود که بر فرض صحت سند، کدام یک از احتمالات در معنای روایت درست است یا با توجه به نقد سندی لازم است به کلی کنار گذاشته شود. محققین زیادی در ضمن مباحث عام اختلافی به این حدیث نیز توجه داشته‌اند و مقالات و رساله‌هایی نیز به بررسی این حدیث پرداخته است. در برخی پایگاه‌های اینترنتی مطالبی گاهی در تایید محتوای ظاهری روایت^۳ و گاهی در نقد و گاهی در جهت تبیین و شرح روایت مطرح شده است.^۴ در برخی از مقالات نیز اشاره به این روایت شده؛ هر چند این مقالات به موضوع بنای بر قبور یا روایتی مشابه این روایت توجه کرده‌اند؛ مانند مقاله «بررسی و نقد دیدگاه البانی در تحریم بنای مساجد بر قبور» که مسأله آن، بررسی و نقد ادله مورد استناد البانی است، یا مقاله‌ای که به بررسی مفهوم روایت «اللهم لا تجعل قبری...» پرداخته است؛^۵ اما این که خود این روایت خاص، به صورت ویژه بررسی سندی و تحلیلی محتوایی شود، پژوهشی منسجم و مستقل صورت نگرفته است. در این جستار تلاش می‌شود با بررسی دوباره و ارائه مستندات جدید و تفسیر صحیح از این روایت مشهور، با نگاه تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای به شبهات سلفیان، به ویژه فرقه وهابیت، درباره دلالت آن، پاسخ مستدل داده شود.

۱. الفتاوی الکبری، ج ۱، ص ۵۱؛ ج ۲، ص ۵۶؛ ج ۳، ص ۳۴-۳۷؛ مجموعه الفتاوی، ج ۱، ص ۶۶-۶۷.

۲. التحفة الأخوذی، ج ۲، ص ۲۲۷.

3. <https://islamic-content.com/hadeeth/922/fa>؛ <https://www.islamweb.net/ar/article/229237>؛

<https://almaktaba.org/book/32480/1216>؛ <http://www.saaaid.net/Doat/assuhaim/omdah/170.htm>؛ https://www.naasan.net/index.php?page=YWR2aXNvcnk=&op=ZG1zcGxheV9%3AZHZpc29yeV9kZXRhaWxzX3U=&advisory_id=MTIyNA==&lan؛ <http://www.valiasr-aj.com/persian/shownews.php?idnews=9789>؛ <https://islamic-content.com/hadeeth/922/fa>

4. <https://www.alwahabiyah.com/fa/documentsview/14705/>؛ <http://www.valiasr-aj.com/persian/shownews.php?idnews=9789>؛ <https://hajj.ir/fa/74589>؛ <http://muslimna.ir/news/99-maghalat/1686-2017-08-30-11-55-57>

۵. «نگاه تطبیقی دیدگاه وهابیت و مذهب حنفی در موضوع مسجد قرار دادن قبور اولیا»، نشریه سلفی پژوهی، ۱۳۹۵ ش ۴؛

«بررسی و نقد دیدگاه البانی در تحریم بنای مساجد بر قبور»، اندیشه نوین دینی، ۱۴۰۱ ش ۶۸؛ «پژوهشی درباره حدیث

اللهم لا تجعل قبری و ثنا یعبد»، سراج منیر، ۱۳۹۳، ش ۱۴.

۱. بررسی سنڌی و دلالی روایت

۱-۱. بررسی سنڌی

با جستجو در مصادر روایی فریقین، این واقعیت آشکار می‌شود که آرای محققین درباره این روایت، مختلف و گاه متعارض است؛ اما غالب آن‌ها سند این روایت را از دو جهت کمی و کیفی در رتبه بالایی از قرار داده‌اند؛ زیرا اکثر محدثان متقدم فریقین این حدیث را در مصادر حدیثی با اسناد و عبارت متخلف نقل کرده‌اند،^۱ به علاوه، بیش از ده نفر از بزرگان صحابه و تعداد زیادی از تابعین در اسناد آن دیده می‌شود. آن چه بر اعتبار سنڌی این حدیث نزد غالب حدیث پژوهان اهل سنت می‌افزاید، وجود آن در معتبرترین منابع ایشان، به ویژه صحیح البخاری^۲ و صحیح مسلم^۳ است. از همه مهم‌تر، این که برخی از بزرگان اهل سنت قایل به تواتر آن شده‌اند.^۴ در منابع شیعه، شیخ صدوق در علل الشرائع بابی تحت عنوان «العله التي من أجلها لا تتخذ القبور قبلة» این روایت را با سند: «حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ حَمَّادٍ، عَنْ حَرِيْزٍ، عَنْ زُرَّارَةَ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ...» می‌آورد^۵ که همه افراد سند ثقه هستند (محمد بن موسی بن المتوکل: ثقه؛^۶ علی بن ابراهیم بن هاشم ابوالحسن القمی: ثقه فی الحدیث ثبت معتمد صحیح المذهب؛^۷ ابراهیم بن هاشم: ثقه؛^۸ حماد بن عیسی الجهنی: ثقه؛^۹ حرز بن عبد الله

۱. الطبقات الكبرى، ج ۴، ص ۲۸؛ شرف المصطفى، ج ۳، ص ۱۵۷؛ تاریخ بغداد، ج ۱۳، ص ۵۴؛ سنن أبی داود، ج ۳، ص ۲۱۶؛ السنن الكبرى، ج ۱، ص ۶۵۱؛ ج ۲، ص ۴۷۱؛ ج ۱، ص ۲۵۹؛ ج ۴، ص ۲۵۶؛ معرفة الصحابة، ج ۱، ص ۲۲۵؛ السنن الكبرى (البيهقي)، ج ۶، ص ۲۲۴ و ج ۹، ص ۳۵۰؛ مسند أحمد، ج ۱، ص ۲۱۸؛ ج ۵، ص ۲۰۳؛ ج ۵، ص ۱۸۴ و ص ۱۸۶؛ ج ۶، ص ۳۴ و ص ۸۰ و ص ۱۲۱ و ص ۲۲۹ و ص ۲۵۵ و ص ۲۷۵؛ ج ۸، ص ۱۹۴؛ سنن الدارمی، ج ۱، ص ۳۲۶؛ صحیح البخاری، ج ۱، ص ۱۱۰؛ ج ۱، ص ۱۱۲؛ ج ۲، ص ۹۱ و ص ۱۰۶؛ ج ۴، ص ۱۴۴؛ ج ۵، ص ۱۳۹؛ ج ۷، ص ۴۱؛ صحیح مسلم، ج ۲، ص ۶۷؛ سنن النسائی، ج ۲، ص ۴۰؛ ج ۴، ص ۹۶؛ المصنف، ج ۵، ص ۴۳۲؛ المتقی من السنن المسندة، ص ۵۳؛ صحیح ابن حبان، ج ۱۴، ص ۵۸۶؛ التمهید، ج ۵، ص ۴۶؛ کنز العمال، ج ۷، ص ۳۴۴؛ المصنف، ج ۲، ص ۲۶۹؛ مسند ابن راهویه، ج ۱، ص ۳۲۹؛ ج ۲، ص ۲۶۳؛ مسند أبی داود الطيالسی، ص ۸۸؛ فضل الصلاة على النبي ﷺ، ص ۳۸؛ المعجم الكبير، ج ۱، ص ۱۶۴.

۲. صحیح البخاری، ج ۱، ص ۹۳.

۳. صحیح مسلم، ج ۱، ص ۳۷۷.

۴. جواب فی الحلف بغير الله و الصلاة إلى القبور، ص ۹؛ نظم المتناثر من الحدیث المتواتر، ص ۱۲۱؛ الفتح الربانی من فتاوی الإمام الشوكاني، ج ۴، ص ۱۹۱۲.

۵. علل الشرائع، ج ۲، ص ۳۵۸.

۶. رجال ابن داود، ص ۳۳۷؛ الخلاصة للحلی، ص ۱۴۹.

۷. رجال النجاشی، ص ۲۶۰؛ رجال ابن داود، ص ۲۳۷.

۸. مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور)

۹. فهرست الطوسی، ص ۱۵۶؛ رجال الطوسی، ص ۳۳۴.

السجستانی: ثقة؛^۱ زرارة بن أعین الشیبانی: ثقة^۲. همین طور، ایشان در من لایحضره الفقیه هم تحت عنوان «باب کراهیة الصلاة عند القبر» دو روایت به این مضمون می‌آورد؛^۳ یکی روایت سماعه بن مهران است که طریق شیخ صدوق به او صحیح است.^۴ سماعه بن مهران امامی ثقة و جلیل است و نسبت وقف به او صحیح نیست.^۵ عثمان بن عیسی العامری هم گفته شده که غیر امامی بود و بعد امامی شده و نقل مشایخ از او در زمان صحت مذهبش بوده و طبق قولی، او ثقة و از اصحاب اجماع است.^۶ روایت دیگر مرفوع است. البته آقای غفاری در حاشیه من لایحضر، ذیل این روایت، سند آن را قوی دانسته و بعد درباره علت منع مطرح شده در روایت توضیحاتی می‌آورد.^۷ شیخ حر نیر در چند باب از وسائل الشیعه، روایاتی بدین مضمون می‌آورد.^۸ البته تبیین‌هایی هم نسبت به روایت دارند که نشان از پذیرش سند روایت دارد.^۹ علامه مجلسی هم این روایات را آورده و در صدد تبیین آن برمی‌آید.^{۱۰}

بنابراین، حدیث مذکور، هم به خاطر کثرت اسناد و طرق و هم به خاطر اتفاق بخاری و مسلم بر نقل آن، از جهت سندی قابل خدشه زیادی نبوده و لازم است، پس از بررسی سبب صدور روایت و ماجرای مربوط به آن، بر نحوه دلالت حدیث و ثمرات علمی و عملی آن تمرکز باشد. با این وجود، برخی از محققین اهل سنت این روایت را جعلی و در تقابل آشکار با واقعیات قرآنی و تاریخی دانسته‌اند که در آینده از نظر خواهد گذشت. ما با توجه به غلبه قاطع موافقین صحت سند، از بررسی تفصیلی آن خودداری می‌کنیم.

۲-۱. بررسی دلالتی

با فرض معتبر بودن سند روایت مزبور، و با توجه به رسالت نبی مکرم اسلام که تربیت و

۱. فهرست الطوسی، ص ۱۶۲.
۲. رجال الطوسی، ص ۳۳۷.
۳. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۷۸.
۴. همان، ج ۴، ص: ۴۲۷.
۵. تحقیق مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور).
۶. نرم افزار درایه النور.
۷. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۷۸.
۸. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۳۴ و ۳۳۵؛ ج ۲، ص ۸۸۷ و ۸۸۸؛ ج ۳، ص ۴۵۴-۴۵۶؛ ج ۵، ص ۱۶۰-۱۶۲.
۹. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۱۶۲؛ ج ۳، ص ۴۵۶.
۱۰. بحار الأنوار، ج ۷۹، ص ۲۰ و ۲۰۹؛ ج ۷۹، ص ۵۶؛ ج ۸۰، ص ۳۱۳ و ۳۱۴؛ ج ۹۷، ص ۱۲۸.

تعلیم و هدایت انسان هاست، باید دید این روایت از جهت تاریخ‌شناسی در چه شرایطی صادر شده است و هدف اصلی پیامبر اسلام ﷺ از نفرین پیروان ادیان آسمانی گذشته چه بوده است. قطعاً ایشان با این سخن، پیروان خود را از گناهی بسیار بزرگ برحذر می‌دارند. علاوه بر این، فهم عرفی ظاهر این روایت نیز مهم است. آنچه علمای اسلام درباره دلالت این روایت با هم اتفاق نظر دارند و از ظاهر آن به خوبی فهمیده می‌شود، این است که معبود و قبله‌گاه قرار دادن قبور اولیا حرام است و چه بسا شرک به خداوند باشد؛ اما درباره بیش از این مقدار دلالت، اتفاق نظری وجود ندارد.

۱-۲-۱. سبب صدور (بررسی تاریخی)

برخی از صحابه‌ای که این حدیث را نقل کرده‌اند، به ماجرای که مربوط به ایراد آن می‌شود نیز اشاره کرده‌اند، طبق برخی نقل‌ها عایشه می‌گوید:

پیامبر ﷺ این حدیث را در بیماری منجر به رحلتشان ایراد فرمودند و آن موقعی بود که همسرانشان درباره کنیسه‌ای که در حبشه دیده بودند (وظاهر از جاذبه‌های معماری و زیبایی‌های آن) حرف می‌زدند. پیامبر ﷺ با تمجیدهای آن‌ها از آن بنای تاریخی، فرمودند: ساکنان آن دیار کسانی بودند که وقتی یکی از صالحان خود را از دست می‌دادند بر قبر او مسجدی بنا می‌کردند و بعد آن، صورت‌هایی را که دیدید، بر آن نقاشی می‌کردند. پس آن‌ها بدترین خلق خدایند.^۱

۲-۲-۱. بررسی مفهوم حدیث

حدیث مورد بحث از دو عبارت اصلی تشکیل شده است که در همه طرق، مشترک است و منظور مدعیان تواتر حدیث نیز همین دو عبارت است:

عبارت اول. «لعن الله اليهود والنصارى»: لعن، عبارت است از دعای علیه شخص که به آن نفرین می‌گویند و به معنای تعذیب و سب کردن و طرد کردن شخص و یا درخواست دوری متعلق آن از رحمت خدا و خیر است،^۲ و استعمال آن توسط پیامبر ﷺ می‌تواند بر

۱. التمهید، ج ۵، ص ۴۶؛ عون المعبود، ج ۹، ص ۳۴؛ السنن الکبری (البیہقی)، ج ۴، ص ۶۱۰ صحیح ابن حبان، ج ۷، ص ۴۵۴.
 ۲. در برخی از نقل‌ها الفاظ دیگری چون «غضب»، «اشتد غضب»، «قاتل» یا «قتلهم» نیز استعمال شده است که حاکی از عدم اصرار راویان بر ضبط الفاظ پیامبر ﷺ و اکتفا به نقل معنا است.
 ۳. کتاب العین، ج ۲، ص ۱۴۱؛ المحيط فی اللغة، ج ۲، ص ۵۰؛ الصحاح، ج ۶، ص ۲۱۹۶؛ معجم مقانئیس اللغة، ج ۵، ص ۲۵۲؛ مفردات ألفاظ القرآن، ص ۷۴۱؛ لسان العرب، ج ۱۳، ص ۳۸۷؛ المصباح المنیر، ج ۲، ص ۵۵۴؛ مجمع البحرین، ج ۶، ص ۳۰۹؛ تاج العروس، ج ۱۸، ص ۵۱۰؛ أساس البلاغة، ج ۲، ص ۱۷۱.

شدت غضب ایشان از رفتار یهود و نصارا دلالت کند؛ چنان که در برخی از منابع به جای «لعن الله»، از تعبیر «غضب الله» استفاده شده است.^۱ پس بدون شک، آن رفتار از بزرگ‌ترین گناهان است.

عبارت دوم. «اتخذوا قبور انبياءهم مساجد»: این جمله علت لعنت و غضب شدید خداوند را بر یهودیان بیان می‌کند. اتخاذ از «أخذ» گرفته شده است؛ یعنی تحصیل و به دست آوردن و جمع کردن چیزی و مخالف عطا کردن است.^۲ اتخاذ، متعدی به دو مفعول می‌شود و همانند جعل است.^۳ در قرآن هم دو مفعولی فراوان به کار رفته است.^۴ أخذ در موارد مختلف دارای معانی مختلفی است که گاهی اخذ با ید،^۵ گاهی با قلب،^۶ گاهی با سمع،^۷ گاهی با قهر و رأفت^۸ و معانی دیگر است. اتخاذ، اخذ با دقت و توجه است و معنایی نزدیک به انتخاب دارد.^۹ این واژه در آثار مفسرین به معنای قرار دادن، قصد و شدت اهتمام و التزام به چیزی آمده است.^{۱۰} اتخاذ در این جا عمل قلب و ذهن است؛ یعنی قصد کردن اهتمام به چیزی به عنوان هدف و غیره و آنچه در خارج تحقق دارد، اثر آن است و از قبیل آیاتی است که از اتخاذ انداد و رب‌های گوناگون نهی می‌کند.^{۱۱} بنابراین، منظور از اتخاذ قبر به عنوان مسجد، اختیار کردن و انتخاب آگاهانه است.

۱-۲-۳. رویکرد عالمان اهل سنت در مواجهه با حدیث

آرای محققین درباره درستی متن حدیث، فراز و نشیب فراوان داشته و از انکار اصل حدیث تا تسلیم محض شدن آن را شامل می‌شود و دلیل آن هم بیشتر به نحوه تفسیر روایت برمی‌گردد. مهم‌ترین این دیدگاه‌ها عبارت‌اند از:

۱. التمهید، ج ۵، ص ۴۱ و ۴۳؛ ج ۵، ص ۴۳؛ کنز العمال، ج ۲، ص ۲۱۰؛ الموطأ، ج ۱، ص ۱۷۲؛ مسند أحمد، ج ۲، ص ۲۴۶؛ المصنف (الصنعانی)، ج ۱، ص ۴۰۶؛ معرفة السنن والآثار، ج ۳، ص ۲۰۸.
۲. معجم مقانیس اللغة، ج ۱، ص ۶۸؛ مفردات ألفاظ القرآن، ص ۶۷؛ کتاب العین، ج ۴، ص ۲۹۸ المحيط فی اللغة، ج ۴، ص ۳۹۹ و ۴۰۰؛ الصحاح، ج ۲، ص ۵۵۹؛ لسان العرب، ج ۳، ص ۴۷۲.
۳. مفردات ألفاظ القرآن، ص ۶۷؛ التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱، ص ۴۱.
۴. سوره مائده، آیه ۵۱ و ۱۱۶؛ سوره شوری، آیه ۹؛ سوره مؤمنون، آیه ۱۱۰؛ سوره نحل، آیه ۶۱.
۵. سوره توبه، آیه ۱۰۳؛ سوره اعراف، آیه ۱۵۴.
۶. سوره بقره، آیه ۶۳؛ سوره حشر، آیه ۷.
۷. سوره اعراف، آیه ۱۴۴.
۸. سوره آل عمران، آیه ۱۱؛ سوره نور، آیه ۲.
۹. التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱، ص ۴۱.
۱۰. تفسیر أبی السعود، ج ۲، ص ۹۰.
۱۱. سوره زمر، آیه ۳؛ سوره بقره، آیه ۱۱۶.

الف) توقف

برخی از مفسرین اهل سنت درباره این حدیث و مخالفت آن با ظاهر قرآن دچار تردید شده و نتوانسته اند دلالت هیچ کدام را بردیگری مقدم کنند. ابن کثیر ذیل آیه ای که در پایان ماجرای اصحاب کهف آمده، روایت مورد بحث را آورده است؛ اما در این که ساخت مسجد بر محل اختفای آن ها مورد مدح و تأیید خداوند است یا خیر، توقف نموده است؛ زیرا از طرفی، ساخت مسجد در مقابل ساخت بنیانی مجهول قرار گرفته است، و از طرفی، پیامبر ﷺ کسانی را که قبور انبیا را مسجد کرده اند، ملعون دانسته اند.^۱

ب) انکار روایت و ادعای تعارض با قرآن

هر چند سند حدیث، با صرف نظر از محتوای آن، رتبه خوبی دارد و در صحیحین با اسناد زیادی نقل شده است و علمای زیادی از متقدمین و متأخرین، به آن عمل کرده اند، اما برخی محققین اهل سنت معتقدند که اکثر علما به اشکالات متنی و دلالتی آن - که مانع عمل به مضمون حدیث است - توجه نکرده اند. لذا با ادعای تعارض متن روایت مذکور با ظواهر آیات مربوط به تاریخ یهود، آن را جعلی و باطل دانسته اند. این اشکالات را می توان در سه گروه دسته بندی کرد که همه آن ها به تعارض متن روایت با ظاهر برمی گردد و بلکه صریح آیات قرآن.

دسته اول. آیاتی که از تنقیص خداوند توسط یهود خبر می دهد؛ مانند نسبت فقر به خداوند و بی نیازی خودشان از او، نسبت ناتوانی و دست بسته بودن خدا یا استراحت کردن او در روز شنبه و یا نسبت پشیمانی و نسبت های دیگری که شایسته مقام احدیت نیست.^۲ روایت با توجه به معنایی که از اتخاذ شد، شدت اهتمام و توجه به عبادت را می رساند. با این توصیفی که این ها از خدا دارند، آیا به دنبال ساختن معبد و مسجد بوده و برای یاد او اهتمام می کنند!؟

دسته دوم و سوم - که تعارض روایت با آن بیشتر و آشکارتر است - آیات دال بر آزارها، اذیت ها و جنایات بی شمار یهود علیه پیامبران خود است؛^۳ به ویژه درباره قتل انبیا که در قرآن به صورت فعل مضارع آمده و گویای آن است که عادت روزمره یهودیان است و حتی بر

۱. تفسیر القرآن العظیم، ج ۳، ص ۹۷.

۲. سوره آل عمران، آیه ۱۸۱؛ سوره مائده، آیه ۶۴.

۳. سوره نساء، آیه ۱۸۱؛ سوره احزاب، آیه ۶۹؛ سوره صف، آیه ۵؛ سوره بقره، آیه ۶۱؛ سوره نساء، آیه ۱۳...

اساس احادیث، نقشه قتل پیامبر اسلام ﷺ را هم کشیده بودند. با این توصیفات، چگونه می‌توان پذیرفت که یهود، بعد از تکذیب و قتل تعداد زیادی از انبیا، به قبور آن‌ها تبرک جسته و زیارتگاه و عبادتگاه بسازند؟!

ج) تقدیم دلالی بر ظاهر قرآن

ابن تیمیه و پیروان فکری او با تمسک به این روایت، بسیاری از رفتارهای مسلمانان را در برخورد با قبور اولیای خدا و انبیا و بزرگان دین، مصداق عمل حرام و مستوجب لعن قرار می‌دهند. بنابراین، ساخت هرگونه بنا، خصوصاً مسجد ساختن بر روی قبور و نماز خواندن نزد قبریا به سمت آن، حرام است. همچنین زیارت و تبرک جستن به قبر، چون مصداق عبادت است، مصداق تبدیل قبر به مسجد و عبادتگاه بوده و حرام است. ادعای آن‌ها این است که تحریم این موارد از باب سد ذرایع است؛^۱ یعنی ساخت بنا بر قبر و سایر موارد مذکور چون منجر به سقوط در ورطه شرک و بت پرستی می‌گردد، حکم به حرمت آن داده‌اند.

۲. تفسیر و گستره دلالی روایت و رابطه آن با مسلمّات

اختلاف اصلی سلفیان با سایر مسلمانان درباره این روایت که به شبهات مهمی دامن زده و منجر به مشرک خواندن اکثریت امت اسلام شده است، نحوه تفسیر و گستره دلالی روایت است و این‌که در مقام جمع آن با ظواهر قرآن و روایات معتبر دیگر و نیز واقعیات مسلم تاریخی جایگاه این روایت چیست؟ در این مبحث آثار و احکام مترتب بر تفاسیر مختلف از این روایت مورد بررسی قرار می‌گیرد و با بررسی آرای سلفیان و به ویژه وهابیان درباره بنا بر قبور و نقد استدلال آن‌ها به روایت فوق، این مسائل حل خواهد شد.

۱-۲. گستره دلالی روایت

ابن تیمیه و دنبال کنندگان مکتب فکری او ساخت هرگونه بنایی بر قبور اولیا را حرام و زیارت و طواف آن را عبادت قبور و شرک به خدا دانسته و فتوا به حرمت داده‌اند.^۲ این‌ها به خاطر همین روایات معتقدند و فتوا می‌دهند بر ولی امر مسلمین واجب است بناهای بر قبور در مساجد را خراب و نبش قبر کرده و جسد فرد حتی استخوان‌هایش را از مسجد خارج کند

۱. أیسر التفاسیر، ج ۳، ص ۲۴۸؛ الفتاوی الکبری، ج ۱، ص ۵۱؛ ج ۲، ص ۵۶؛ ج ۳، ص ۳۴-۳۷؛ مجموعة الفتاوی، ج ۱، ص ۶۶-۶۷.

۲. الرد علی البکری، ج ۲، ص ۵۶۷.

و به قبرستان عمومی ببرد و بعداً دیگر نماز در این مکان اشکال ندارد؛^۱ اما مشهور مسلمانان، فقط قبله قرار دادن قبر و عبادت صاحب قبر را مصداق شرک و مدلول روایت می‌دانند، به نظر می‌رسد معنایی که عرف از ظاهر روایت بدون وجود قرینه‌های دیگر، درک می‌کند، معنای دوم است و معنای مطابقی بر معنای التزامی اولویت دارد. با طرح تفصیلی مصادیق محتمل و بررسی نظرات و دلایل آن، معنای صحیح روایت آشکار خواهد شد.

۱-۱-۲. مسجد و قبله قرار دادن قبر

آنچه در این روایت بر اساس معنای اتخاذ، مورد نهی قرار گرفته؛ قصد مسجد کردن قبور است که چند مصداق می‌تواند داشته باشد.

۱. ساخت مسجد بر روی قبر و اطراف آن، به طوری که قبر داخل بنا قرار گیرد و مکانی که قبر در آن واقع است تبدیل به مسجد شود. در این صورت، بدون شک، روایت شامل دفن میت در مسجد یا هر بنای دیگری که از قبل ساخته شده نمی‌شود، و بیرون از شمول روایت است؛ زیرا ظاهر روایت دلالت بر این دارد که قبر تبدیل به مسجد شده و وجود قبر تقدم بر وجود مسجد دارد.

۲. قبله قرار دادن قبر، به گونه‌ای که توجه فرد به جای کعبه به سمت قبر باشد و به جای عبادت خدا، انسان شخص داخل قبر را مسجود و معبود خود قرار دهد.

۳. نماز خواندن بر روی قبر و قرار دادن قبر به عنوان سجده‌گاه و مکان نماز یا نماز خواندن در قبرستان، میان قبرها.

مشهور فقهای مذاهب اسلامی، به جز مالکی‌ها،^۲ نماز خواندن در مقابر و بین قبور را مکروه دانسته‌اند. البته یک دلیل آن‌ها برای حکم به کراهت، حدیث مورد بحث است.^۳ اما سلفیان با تمسک به همین روایت، این عمل را بدعت و حرام دانسته‌اند.

۲-۱-۲. ساخت بنا بر فراز قبور

فرقه وهابیت با تمسک به این روایت، ساخت هرگونه بنا و ضریح در اطراف قبر و روی آن را «مساجد ساخته شده بر روی قبور» معرفی می‌کنند، و به عبارت دیگر، معتقدند این کار، مسجد قرار دادن جایی است که در واقع، مسجد نیست؛ زیرا هدف از ساخت چنین

۱. فتاوی اللجنة الدائمة للبحوث العلمیة و الإفتاء، ج ۶، ص ۲۵۶.

۲. الفقه الإسلامی و أدلته، ج ۲، ص ۹۸۱.

۳. الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۲۵۳.

بناهایی جز برای عبادت نیست. شوکانی در مقاله‌ای درباره حدیث «لعن الله اليهود» اظهار تعجب و تأسف کرده از این‌که آخرین وصیت پیامبر ﷺ به اصحاب، نهی اتخاذ قبور به عنوان مسجد بود، اما اولین اقدامی که امت ایشان در عمل به این وصیت انجام دادند، دقیقاً برعکس آن بود. آن‌ها عمارت کنونی را از همان آغازین روزها بر مزار ایشان بنا کردند و پیشتاز ترویج این گناه بزرگ شدند.^۱

آن‌ها با استناد به روایت «لعن الله اليهود» و آیاتی مانند آیه: «وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا»^۲ می‌گویند: هدف از ساخت مساجد جز برای عبادت نیست و از طرفی، هر بنایی در اطراف قبور ساخته شود نیز در حکم اتخاذ آن قبر به عنوان مسجد است؛ زیرا ملاک ساخت مساجد و ساخت بنا بر قبور، مشترک است، و از آن‌جا که مسجد فقط باید عبادتگاهی برای خداوند باشد، پس ساخت هر بنایی در اطراف قبر، حرام و مقدمه شرک است.^۳

۲-۱-۳. زیارت و طواف قبور

وهابی‌ها می‌گویند: هر طوافی عبادت است و عبادت فقط باید برای خداوند باشد. پس زیارت و طواف قبور بزرگان دین و اهل بیت پیامبر ﷺ نیز عبادت ایشان و شرک محسوب می‌شود.^۴

۲-۲. بررسی گستره دلالتی روایت و تفسیر دقیق آن

همان‌گونه که مشهور فقها و حدیث پژوهان گفته‌اند، با توجه به لحن تند روایت - که در بیشتر نقل‌ها عبارت «لعن الله اليهود»^۵ و نیز «قاتل الله اليهود والنصارى»^۶ یا با تعبیر دیگری،

۱. الفتح الربانی من فتاوی الإمام الشوکانی، ج ۴، ص ۱۹۱۲.
۲. سوره جن، آیه ۱۸.
۳. الفتاوی الکبری، ج ۲، ص ۲۶۸.
۴. الأسئلة والأجوبة فی العقیة، ص ۵۰.
۵. مسند أحمد، ج ۱، ص ۲۱۸؛ ج ۵، ص ۲۰۳؛ ج ۶، ص ۳۴؛ ج ۶، ص ۸۰؛ ج ۶، ص ۱۲۱؛ ج ۶، ص ۲۲۹؛ ج ۶، ص ۲۵۵؛ ج ۶، ص ۲۷۵؛ التمهید، ج ۵، ص ۴۶؛ کنز العمال، ج ۷، ص ۳۴۴؛ صحیح البخاری، ج ۲، ص ۹۱ و ص ۱۰۶؛ سنن النسائی، ج ۴، ص ۹۶؛ المصنف (ابن أبی شیبة)، ج ۲، ص ۲۶۹؛ مسند ابن راهویه، ج ۱، ص ۳۲۹؛ ج ۲، ص ۲۶۳؛ مسند أحمد، ج ۵، ص ۱۸۴ و ص ۱۸۶؛ صحیح البخاری ج ۱، ص ۱۱۰، ج ۵، ص ۱۳۹؛ مسند أبی داود الطیالسی، ص ۸۸؛ فضل الصلاة علی النبی ﷺ، ص ۳۸؛ السنن الکبری، ج ۱، ص ۶۵۸؛ المعجم الکبیر، ج ۱، ص ۱۶۴.
۶. التمهید، ج ۱، ص ۱۶۶؛ ج ۶، ص ۳۸۳؛ کشف المشکل من حدیث الصحیحین، ج ۳، ص ۳۳۴؛ نصب الرایة، ج ۴، ص ۳۴۲؛ الجامع الصغیر، ج ۲، ص ۳۹۶ و ۲۳۴؛ کنز العمال، ج ۷، ص ۱۴۷ و ۳۴۴؛ کتاب الأم، ج ۱، ص ۳۱۷؛ الموطأ، ج ۲، ص ۸۹۲؛ مسند أحمد، ج ۲، ص ۲۸۵؛ ج ۲، ص ۵۱۸؛ صحیح البخاری، ج ۱، ص ۱۱۳؛ صحیح مسلم، ج ۲، ص ۶۷؛ ←

نظیر این به کار رفته است.^۱ همچنین معنایی که برای اتخاذ در کتب لغت دقیق آورده شد، به نظر می‌رسد روایت مورد بحث ظهور در یک امر دارد و آن، انتخاب آگاهانه (یا لاقبل بدون حجت شرعی) قبور انبیا و اولیا به عنوان معبد و بلکه معبود است و کسی در شرک بودن این عمل خدشه‌ای نمی‌کند. این مقدار از دلالت، با سیاق آیات قرآن - که شرک را ظلم بزرگ^۲ و کافران را ملعون^۳ می‌داند - هماهنگی بیشتری دارد؛ خصوصاً که قدر متیقن تمام اقوال نیز همین مقدار است؛ اما ادعاهای دیگر سلفیان مبنی بر تحریم و شرک دانستن هرگونه بنا بر قبور و یا نماز خواندن در مقابر، حال یا به خاطر قیاس زیارتگاه‌ها به مسجد و یا مبتنی بر تعریف موسعی است که از عبادت دارند - یعنی از طرفی نهایت خضوع را عبادت می‌دانند و از طرفی طواف و زیارت و نماز نزد قبر را عبادت صاحب قبر می‌دانند - هیچ‌کدام درست نیست.

محققان شیعه ذیل این روایت و آن برداشت موسع چنین فرموده‌اند: شهید در ذکری و علامه مجلسی معتقدند: این‌گونه اخبار خلاف مشی امامیه، هم در بحث احداث بنا و هم در بحث صلوات است؛ چنان‌که در مشاهد مقدس دیده می‌شود. لذا می‌گویند قدحی که به این روایات ممکن است، یا از ناحیه آحاد بودن این روایات است، یا از ناحیه ضعف اسناد آن و از طرف دیگر، اخبار مشهورتری که دلالت بر تعظیم قبور و بنا ساختن بر آن و نماز در آن محل دارد،^۴ هم با آن معارضه دارد.^۵

مجلسی اول نیز درباره نهی وارد در روایت می‌گوید:

ممکن است حمل بر کراهت نماز در آن جا شود، یا به اعتبار تزیین مکان برای اموات یا به اعتبار تغییر وقف هنگامی که وقف برای مقبره باشد و یا حکمت پنهانی دیگری باشد، مانند این‌که نهی به خاطر این باشد که آن را مانند کعبه قرار ندهند و بر آن سجده نکنند تا به مرور زمان، مانند کعبه قبله

→ سنن ابی داود، ج ۲، ص ۸۵؛ المصنف (الصنعانی)، ج ۱، ص ۴۰۶؛ ج ۶، ص ۵۴؛ ج ۱۰، ص ۳۶۰؛ منتخب مسند عبد بن حمید، ص ۱۰۹؛ مسند ابی یعلی، ج ۱۰، ص ۲۲۱؛ صحیح ابن حبان، ج ۶، ص ۹۵؛ معرفة السنن و الآثار، ج ۳، ص ۲۰۷؛ كشف المشكل من حديث الصحيحين، ج ۳، ص ۳۳۴؛ علل الدارقطني، ج ۷، ص ۲۹۶-۲۹۹.

۱. مسند أحمد، ج ۱، ص ۹۵؛ ج ۶، ص ۱۴۶؛ السنن الكبرى، ج ۱، ص ۶۵۸؛ كنز العمال، ج ۴، ص ۳۸۲؛ المصنف الصنعانی، ج ۱، ص ۴۰۵؛ كنز العمال، ج ۷، ص ۳۴۴-۳۴۵؛ ج ۸، ص ۱۹۳-۱۹۵؛ ج ۱۲، ص ۳۰۵ و ۳۰۶؛ ج ۱۲، ص ۵۰۱؛ ج ۱۴، ص ۱۶۷؛ مسند زيد بن علی، ص ۷۷.

۲. سوره انعام، آیه ۸۲؛ سوره لقمان، آیه ۱۳.

۳. سوره بقره، آیه ۱۶۱.

۴. تهذیب الأحكام، ج ۶، ص ۱۰۷؛ ج ۲، ص ۲۲۸؛ الوافی؛ ج ۷، ص ۴۵۰؛ مرآة العقول؛ ج ۱۴، ص ۱۹۲.

۵. ذکری الشیعة، ج ۲، ص ۳۷؛ بحار الأنوار، ج ۷۹، ص ۲۰.

نشود و احتمال هم دارد که این اخبار تقیه‌ای باشد.^۱

ایشان در لوامع هم نهی را برای جلوگیری از توهم قبله قرار دادن قبر دانسته است.^۲ در وافی نیز مراد از نهی را در این روایت، در مقابل روایت معارض نهی از قبله قرار دادن و قرار دادن پیشانی بر آن می‌داند.^۳ شیخ حر نیز ضمن احتمال نسخ روایت و احتمال نهی از قبله قرار دادن قبر، مانند کعبه، آن را حمل بر کراهت کرده است.^۴ البته علامه مجلسی می‌فرماید:

این‌که در جوار انسان صالحی مسجدی بنا شود یا در مقبره‌ای نماز خواند شود، بدون تعظیم و توجه به قبر ایرادی ندارد؛ همان طور که نماز در حجر اسماعیل - که مرقد اوست - افضل است.^۵

ایشان در جای دیگری درباره قبور امامان علیهم‌السلام قول به عدم کراهت را قوی دانسته و می‌فرماید:

بعید نیست اخبار منع به خاطر شهرت آن روایات نزد مخالفین ما و نظر ایشان به حرمت، حمل بر تقیه شود و همین طور احتمال نسخ در آن نیز وجود دارد.

البته ایشان احتمال فرق بین قبر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با ائمه را هم می‌دهد؛ چون احتمال توهم معبودیت و مسجودیت درباره ایشان بیشتر است، یا وجه دیگر هم می‌فرماید.^۶ فاضل هندی نیز همین احتمال را داده است.^۷

بهترین شاهد قرآنی در این باره - که می‌تواند بیشترین ارتباط و یا حتی اصطکاک مفهومی با این روایت داشته باشد - داستان اصحاب کهف و واکنش مردم نسبت به مرگ اعجازگونه آن‌هاست. خداوند در ذکر داستان این جوانمردان می‌فرماید:

﴿قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِم مَسْجِدًا﴾^۸

سلفیان معتقدند این گروه از مردم، درباره اصحاب کهف دچار غلوشدند و محل

۱. روضة المتقين، ج ۱، ص ۴۶۸.

۲. لوامع صاحبقرانی، ج ۲، ص ۴۶۲.

۳. الوافی، ج ۷، ص ۴۵۱.

۴. وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۱۶۲.

۵. بحار الأنوار، ج ۷۹، ص ۵۶.

۶. همان، ج ۸۰، ص ۳۱۴؛ ج ۹۷، ص ۱۲۸.

۷. كشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام، ج ۳، ص ۳۰۳.

۸. سوره کهف، آیه ۲۱.

اختفای آنان را بعد از مرگشان تبدیل به عبادتگاهی شبیه بتکده‌های مشرکین کردند و بدین سان مرتکب انحراف و بدعت در دین خود شدند؛^۱ در حالی که این ادعای آن‌ها خلاف ظاهر آیه مزبور و روایات متعدد و مشهور درباره ماجرای اصحاب کهف است؛ زیرا از طرفی مشهور مفسرین می‌گویند: منازعه‌ای که در آیه مطرح شده، بین مؤمنین و مشرکین بوده است.^۲ بعید است که خداوند در قرآن - که کتاب هدایت است - دو قول مردود را ذکر کند و مؤمنین را بدون دلیل در کنار مشرکین قرار دهد و قرینه‌ای بر حقانیت یا عدم حقانیت هیچ‌کدام از اقوال ارائه نکند؛ و از طرفی روایت مزبور که وهابیان تفسیر خود از آیه را با تمسک به آن ارائه می‌کنند، مدت زیادی بعد از نزول آیات سوره کهف و در آخرین روزهای حیات پیامبر ﷺ صادر شده است، پس باید گفت مسأله برعکس این است و نقل تنازع مشرکین با مؤمنین درباره نوع بنا، قرینه‌ای قوی بر حقانیت قول مؤمنین است. به نظر می‌رسد که این آیه با روایت مورد نظر تعارض و ضدیت ندارد؛ زیرا ساخت مسجد در مکان اطراف تدفین آن جوانمردان، غیر از تبدیل خود قبر به قبله و عبادتگاه است. به همین دلیل، برخی از مفسرین اهل سنت، با تمسک به همین آیه شریفه، قایل به جواز ساخت بنا بر قبور صالحان و ساخت مسجد و جواز نماز خواندن در آن مکان شده‌اند.^۳

علاوه بر آنچه گفته شد، شایسته توجه است که ظاهر روایت این احتمال را تقویت می‌کند که یهودیان به خاطر افراط در محبت انبیا و باورهای غلوآمیز درباره جایگاه انبیای خود، رفتارهایی شبیه کارهای بت پرستان انجام می‌داده‌اند؛ یعنی پیامبران را معبود خود قرار داده و قبور آن‌ها را تبدیل به عبادتگاه می‌کردند. اما تاریخ یهود و قوم بنی اسرائیل پر از جنایات و آزارها و بهانه تراشی‌ها و جهالت‌هایی است که انبیای الهی را هدف قرار داده بود؛ به طوری که این رفتارها جزء شاکله شخصیت جمعی قوم بنی اسرائیل بود و تا به امروز نیز این روحيات در آن‌ها وجود دارد. از این رو، بیشترین هجمه انتقادی قرآن نیز متوجه آن‌ها شده است و در مباحث گذشته نیز بیان شد که برخی محققین، با استناد به همین واقعیات تاریخی - قرآنی، روایت مزبور را از اساس باطل دانسته‌اند و از اعتبار بالایی سند آن، چشم پوشی کرده‌اند.

۱. الرد علی البکری، ج ۲، ص ۵۶۷.

۲. الدر المنثور، ج ۵، ص ۳۶۷ و ۳۷۰ و ۳۷۵؛ تفسیر القرآن العظیم (ابی حاتم الرازی)، ج ۷، ص ۲۳۴۹؛ تفسیر الشعلبی، ج ۶، ص ۱۶۲؛ الهدایة إلى بلوغ النهایة، ج ۶، ص ۴۳۵۳.

۳. تفسیر آلوسی، ج ۱۵، ص ۲۳۷؛ التفسیر الوسیط، ج ۸، ص ۴۹۴.

بنابراین، حدیثی که مورد استفاده ابن تیمیه و ابن قیم و دنبال کنندگان ایشان برای تحریم نماز نزد قبور انبیا است، بر فرض صحت سندش، غیر قابل اعتماد است؛ چون مضمون آن مخالف صریح قرآن و سیره ثابته نزد قوم یهود است، چون ایشان اهل تکریم انبیا نبوده‌اند و کسانی که شماتت می‌شوند که قاتل انبیایند، چطور می‌خواهند قبور ایشان را مصلی قرار دهند. علاوه بر این، برای نصارا انبیایی نبوده است تا ایشان را بکشند و قبورشان را مسجد کنند؛ اما خود مسیح نزد ایشان إله متجسد است و نبی نیست؛ چون او را یکی از اقانیم ثلاثه می‌دانند، و غیر مسیح هم انبیایی ندارند و دیگران آباء تبلیغ و تبشیر بوده‌اند.^۱

سلفیان با تفسیر اشتباه از روایت، چتر دلالت را چنان گسترده‌اند که اگر تناقض آن را با روایات بی‌شمار و سیره سلف و خلف مسلمین تا به امروز، نادیده بگیریم، باز هم تعارض آشکار این برداشت‌ها با ظاهر و نص آیات قرآن بر هیچ مجتهد و بلکه هیچ مسلمان آشنا با معنای قرآن، پوشیده نیست؛ به ویژه که سازندگان بنا و زائرین می‌دانند که فرد داخل قبر معبود نیست و مانند همه انسان‌ها بنده خداست و از خود چیزی ندارد؛ اما اثبات بندگی به معنای این نیست که خداوند هم هیچ قدرت و امکانات فرابشری به اولیای خود نمی‌دهد و آن‌ها را واسطه اتصال بندگان به خودش قرار ندهد. بنابراین حتی اگر نظریه جعلی بودن^۲ یا شاذ و مردود بودن روایت^۳ یا تقیه‌ای بودن^۴ و مرسل بودن برخی از این گونه احادیث^۵ را نپذیریم و همانند برخی بگوییم که اهل سنت اتفاق بر صحت روایت «لعن الله...» از عایشه دارند،^۶ این تفسیر گسترده از روایت را هیچ حدیث‌پژوه بی‌طرفی نمی‌پذیرد. پس حقیقت این است که گفته شود در این روایات از قبله قرار دادن قبر نهی شده، لکن به معنای قرار دادن آن مانند کعبه، نه این که رو به آن به صورت مستقل و پشت به قبله نماز خواند، خیر این امری نیست که در ذهن هیچ مسلمانی حتی اضعف عوام هم بگذرد تا نیاز به نهی باشد، پس از مشارکت در این مطلب که فرد نماز را به طرف کعبه بخواند؛ اما با توجه خاطر به قبر شریف و

۱. الحدیث النبوی بین الروایة و الدرایة، ص ۲۲۰ و ۲۲۱، ص ۲۵۹؛ بحوث قرآنیة فی التوحید و الشریک، ص ۸۱-۸۸؛ الحصون المنیعة، ص ۱۳۱.

۲. جواهر التاریخ، ج ۱، ص ۱۲۸-۱۳۰؛ ألف سؤال وإشکال، ج ۳، ص ۴۹.

۳. صحیح شرح العقیة الطحاویة، ص ۷۲۰-۷۲۳؛ ذکری الشیعة، ج ۲، ص ۳۷؛ بحار الأنوار، ج ۷۹، ص ۲۰؛ الحصون المنیعة، ص ۱۳۱.

۴. لوامع صاحبقرانی، ص ۴۶۴.

۵. تنویر الحوالک، ص ۱۸۹.

۶. تلخیص الحبیر، ج ۵، ص ۱۹۹.

وجه الله دانستن آن مانند کعبه مشرفه نهی شده است، بله این امری است که ممکن است به ذهن برخی عوام بیاید و لذا نیاز به ردع و نهی است و این معنا با تعلیل آمده در آن روایات هم مناسبت دارد و با اخبار بیان کننده ثواب نماز در قبور اهل البیت هم منافات ندارد.^۱ و این که بعد از رحلت پیامبر ﷺ دیوار دایره‌ای دور قبر حضرت کشیدند، نیز نشان می‌دهد که می‌خواستند مانند کعبه نباشد که قبله قرار داده شود. و این دیوار مانع از صورت شرکته بود، نه مانع از اقامه صلاة بدون آن خصوصیات.

فهم بسیاری از علما از اهل سنت، مانند عسقلانی، نووی، سننی، شیخ علی قاری و دیگران از این روایات هم همین بوده است.^۲ بنابراین، دو امر است که باید تفکیک شود: یکی، وجوب بزرگداشت پیامبر ﷺ و بالاتر دانستن رتبه ایشان بر سایر خلائق و دوم، افراد الربوبیه و اعتقاد به این که فقط خداوند با ذات و صفات و افعالش واحد و بی‌نیاز از تمام مخلوقات است. پس اگر کسی معتقد به مشارکت فردی با خداوند در آن امور شد، جنایت کرده و مشرک شده است، و کسی هم که نسبت به مقام رسول الله ﷺ کوتاهی کند، جنایت کرده است. حال، روشن است که زیارت به قصد تبرک و تعظیم به درجه ربوبیت منتهی نمی‌شود و این چنین کاری در زمان حیات و بعد از حیات اتفاق نیفتاده تا منعی بیاید.^۳

درباره عمل یهود و نصارا گفته شده که بنی اسرائیل، بعد از این که از مصر رفتند و از دریا عبور کردند و از تیه گذشتند و به فلسطین رسیدند، بیت المقدس محل عبادتشان شد و غیر از آن، محل عبادتی نداشتند. و در عصر سلیمان هم فقط هیکل سلیمان وجود داشت. بنابراین، کجا قبور انبیایی بود که آن را مسجد قرار دهند؟ بیت المقدس و سرزمینشان هم قبل از عصر پیامبر ﷺ تحت نظر مسلمانان و عرب بود و باقی قبور انبیای ایشان، قبر آن خلیل ﷺ و موسی بن عمران ﷺ است که احدی ننوشته که یهودیان این‌ها را بت قرار دادند و مانند کعبه در عبادت به سمت آن قبر رو می‌کردند. پس این مطلب کجاست؟ اگر این گونه احادیث از پیامبر ﷺ باشد، بحثی نیست؛ اما بحث در روات این احادیث است که از خطا و سهو و نسیان معصوم نیستند. و از آن طرف، ادله‌ای وجود دارد که دلالت بر جواز محل عبادت قرار دادن قبور انبیا است. طواف کنندگان دور کعبه و حول حجر اسماعیل طواف می‌کنند و دیوار آن را مسح می‌کنند؛ در حالی که داخل آن قبر اسماعیل و مادرش است. و در

۱. کتاب الصلاة، ج ۱، ص ۳۷۵ و ۳۷۶؛ لوامع صاحبقرانی، ص ۴۶۲.

۲. فی ظل أصول الإسلام، ص ۲۰۹-۲۲۰.

۳. شفاء السقام، ص ۲۵۷؛ التوسل بالنبی ﷺ و جهلة الوهابیین، ص ۱۴۰.

روایات آمده است که قبر اسماعیل بین رکن و بیت، زیر ناودان و قبر هود و شعیب و صالح علیهم السلام مابین زمزم و مقام است، و در کعبه قبر سیصد نبی و مابین رکن یمانی و رکن اسود قبر هفتاد پیامبر است. و همین طور گفته شده که قبر رسول الله صلی الله علیه و آله و دو خلیفه اول در بنای مسقفی از زمان رحلتشان تا امروز قرار دارد و خداوند هم در قرآن می فرماید:

﴿وَاتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى﴾^۱

و در قصه اصحاب کهف هم می فرماید:

﴿قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِم مَسْجِدًا﴾^۲

نسبت به احادیث هم در این مورد اختلاف وجود دارد که منشأ اختلاف فهم مختلف است.^۳

برخی از پژوهشگران اساساً نگاهی دیگر نسبت به روایت داشته و از جهتی دیگر آن را کذب دانسته و نوشته اند که بعد از جریان سقیفه، وضعیت در مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله و خانه امیرالمؤمنین علیه السلام عادی نبود. آنان بعد از هجوم به خانه علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام مسجد النبی را مرکزشان قرار دادند و قوانین سفت و سخت در آنجا پیاده کردند، و از اقامه مجالس عزاء و تجمع در کنار قبر رسول الله صلی الله علیه و آله منع کردند تا ضد خلیفه اجتماعی نباشد. علاوه بر این، علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام همانند عادت عرب به قبر رسول الله صلی الله علیه و آله پناه می بردند و اعلان می کردند که ایشان شایسته خلاف و وصیت هستند و طلب وفا به بیعت خودشان و رد بیعت خلیفه می کردند. پس راه حل این بود که با آوردن نص دینی، مردم را از اجتماع کنار قبر رسول الله صلی الله علیه و آله حتی برای نماز منع کنند و بگویند آخرین فرمایش رسول الله صلی الله علیه و آله در آخرین لحظات حیات این روایت یا روایاتی مشابه این روایت بود. و تا امروز هیچ عالمی از پیروان خلفا نتوانسته ثابت کند که یهود و نصارا این کار را کرده باشند؛ جز این که خداوند در قرآن، کسانی را که مسجد بر روی قبور اصحاب کهف ساختند، مدح می کند.^۴ وضع کنندگان روایت نه تنها از تاریخ یهود و نصارا غفلت کرده و دروغ گفتند، بلکه از آیه شریفه هم غافل شدند و لذا منع کردند و با روایت های دیگر این نهی را تأکید هم کردند که خود پیامبر صلی الله علیه و آله از این که قبرشان

۱. سوره بقره، آیه ۱۲۵.

۲. سوره کهف، آیه ۲۱.

۳. معالم المدرستین، ج ۱، ص ۵۴ و ۵۳.

۴. سوره کهف، آیه ۲۱.

بت و محل تجمع باشد، ولو برای عبادت نهی کردند.^۱

نتیجه

حدیث نبوی مشهور «لعن الله اليهود والنصارى اتخذوا قبور انبيائهم مساجد» هرچند از جهت سننی مورد قبول اکثر محققین اسلام است، اما از جهت دلالت پرابهام است، و احتمالات متعددی در تبیین آن مطرح کرده‌اند. برداشت‌های گوناگون از این حدیث سبب اختلافات عمیق علمی شده است. بنابراین یکی از مسائل اختلافی میان مسلمانان و وهابیان، ساختن بنا و بارگاه بر روی قبور انبیا، اولیا، صحابه و علما است. سلفیان با تکیه بر مبانی خویش، تفسیری گسترده از این حدیث نموده و بر اساس آن، بسیاری از مسلمانان را به خاطر ساخت زیارتگاه و بناهای یادبود بر قبور بزرگان دین، متهم به شرک نموده‌اند. بعد از بررسی دلالت روایت و سبب صدور و نحوه تفسیر آن، جایگاه حدیث مذکور با ظواهر قرآن و روایات معتبر دیگر و نیز واقعیات مسلم تاریخی بررسی شد. گفتنی است ارائه تفسیر صحیح و مستند از این گونه نصوص دینی بهترین راهکار برای مقابله با پدیده تکفیر است. با رویکرد تحلیلی در این جستار معلوم شد که متن آن با ظواهر قرآن و واقعیات تاریخی تعارض دارد و از بین احتمالات مطرح شده، روایت فقط قبله قرار دادن قبر و عبادت صاحب قبر را مصداق شرک و مدلول روایت می‌داند و تنها کسانی که آگاهانه دچار غلوشده و اولیای خدا را در کنار او پرستش می‌کنند، مشمول روایت هستند. بنابراین، فتوا دادن بر اساس آن، تنها رفتاری را شامل می‌گردد که صریحاً شرک آمیز و یا لازمه آن شرک باشد. لذا ساخت بنا بر مشاهده شریفه و اقامه مراسمات دینی در آن‌ها از جمله نماز و سایر عبادات، نزد قبور بزرگان دین، به منزله تبدیل قبر به مسجد نبوده و مصداق این روایت نیست.

کتابنامه

قرآن کریم.

أساس البلاغة، جار الله أبو القاسم محمود بن عمرو بن أحمد زمخشری، بیروت: دارالکتب العلمیة، الأولى، ۱۴۱۹ق.

الأسئلة والأجوبة فی العقیة، صالح بن عبد الرحمن بن عبد الله الأطرم، الرياض: دارالوطن،

۱. جواهر التاریخ، ج ۱، ص ۱۲۸-۱۳۰؛ ألف سؤال و إشکال، ج ۳، ص ۴۹.

الأولى، ١٤١٣ق.

ألف سؤال وإشكال، على الكوراني العاملي، بيروت: دار السيرة، الأولى، ١٤٣٠ق.

أيسر التفاسير لكلام العلي الكبير، أبو بكر جابر بن موسى الجزائري، المدينة المنورة: مكتبة العلوم والحكم، الخامسة، ١٤٢٤ق.

بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، محمد باقر بن محمد تقى مجلسى، بيروت: دار إحياء التراث العربى، دوم، ١٤٠٣ق.

بحوث قرآنية فى التوحيد و الشرك، الشيخ السبحانى، بى جا، بى تا.

تاج العروس من جواهر القاموس، محب الدين واسطى زبيدى حنفى، سيد محمد مرتضى حسينى، بيروت: دارالفكر للطباعة والنشر والتوزيع، اول، ١٤١٤ق.

تاريخ بغداد، الخطيب ابوبكر أحمد بن على بن ثابت بن أحمد البغدادى، بيروت: دارالكتب العلمية، الأولى، ١٤١٧ق.

تحفة الأحوذى، المباركفورى، بيروت: دارالكتب العلمية، الأولى، ١٤١٠ق.

تفسير أبى السعود (إرشاد العقل السليم إلى مزايا الكتاب الكريم)، أبو السعود محمد بن محمد بن مصطفى، بيروت: دار إحياء التراث العربى، بى تا.

تفسير القرآن العظيم، ابن كثير، بى جا، دارالفكر، ١٤١٤ق.

تفسير القرآن العظيم، عبد الرحمن ابن أبى حاتم الرازى، المملكة العربية السعودية: مكتبة نزار مصطفى الباز، الثالثة، ١٤١٩ق.

تلخيص التحرير، ابن حجر، بى جا، دارالفكر، بى تا.

التمهيد لما فى الموطأ من المعانى والأسانيد، ابن عبد البر أبو عمر يوسف بن عبد الله النمري، المغرب: وزارة عموم الأوقاف والشؤون الإسلامية، ١٣٨٧ق.

التمهيد، ابن عبد البر، المغرب: وزارة عموم الأوقاف والشؤون الإسلامية، ١٣٨٧ق.

تنوير الحوالك، جلال الدين السيوطى، بيروت: منشورات محمد على بيضون - دارالكتب العلمية، الأولى، ١٤١٨ق.

التوسل بالنبي ﷺ و جهلة الوهابيين، أبى حامد بن مرزوق، إستانبول: مكتبة اشيق، ١٣٩٦ق.

تهذيب الأحكام، ابو جعفر محمد بن حسن طوسى، تهران: دارالكتب الإسلامية، چهارم، ١٤٠٧ق.

الجامع الصغير، جلال الدين السيوطى، بيروت: دارالفكر للطباعة والنشر والتوزيع، الأولى، ١٤٠١ق.

الجامع المسند الصحيح (صحيح البخارى)، محمد بن إسماعيل البخارى الجعفى، بى جا، دار طوق النجاة، الطبعة الأولى، ١٤٢٢ق.

جواب فى الحلف بغير الله و الصلاة إلى القبور، أحمد بن عبد الحلیم الحرانى (ابن تيمية)، الكويت: فواز محمد أحمد العوضى، الأولى، ١٤٣١ق.

جواهر التاريخ، الشيخ على الكورانى العاملى، بى جا، دارالهدى، الأولى، ١٤٢٥ق.

الحديث النبوى بين الرواية و الدراية، الشيخ السبحانى، قم: مؤسسة الإمام الصادق عليه السلام، الأولى، ١٤١٩ق.

الحصون المنبوعة، حسن عبد الله على، بى جا، مؤسسة عاشوراء، الثانية، ١٤٢٦ق.

الدر المنتور، جلال الدين السيوطى بيروت: دارالفكر، بى تا.

ذكرى الشيعة فى أحكام الشريعة، الشهيد الأول، قم: مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، الأولى، ١٤١٩ق.

رجال ابن داود، حلى، حسن بن على بن داود، انتشارات دانشگاه تهران، تهران: ١٣٨٣ق.

رجال الطوسى، ابو جعفر محمد بن حسن طوسى، قم: دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، سوم، ١٤٢٧ق.

رجال العلامة (خلاصة الأقوال)، علامه حسن بن يوسف بن مطهر اسدى حلى، نجف اشرف: منشورات المطبعة الحيدرية، دوم، ١٣٨١ق.

رجال النجاشى (فهرست أسماء مصنفى الشيعة)، ابو الحسن احمد بن على نجاشى، قم: دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، ١٤٠٧ق.

الرد على البكرى (تلخيص كتاب الاستغاثة)، أحمد بن عبد الحلیم الحرانى (ابن تيمية)، المدينة المنورة: بى تا، الأولى، ١٤١٧ق.

روضة المتقين فى شرح من لا يحضره الفقيه، محمد تقى مجلسى، تهران: مؤسسه فرهنگى اسلامى كوشانپور، دوم، ١٤٠٦ق.

سنن أبى داود، أبو داود سليمان بن الأشعث الأزدي الشجستاني بيروت: المكتبة العصرية، بى تا.

سنن الدارمى، عبد الله بن الرحمن الدارمى، دمشق: مطبعة الاعتدال، ١٣٤٩ق.

السنن الكبرى، أبو عبد الرحمن أحمد بن شعيب النسائى، بيروت: مؤسسة الرسالة، الأولى، ١٤٢١ق.

السنن الكبرى، أحمد بن الحسين البيهقى، بى جا، دارالفكر، بى تا.

- شرف المصطفى، عبد الملك بن محمد بن إبراهيم النيسابوري الخركوشي، مكة: دار البشائر الإسلامية، الأولى، ١٤٢٤ق.
- شفاء السقام، السبكي، بي جا، الرابعة، ١٤١٩ق.
- الصحاح (تاج اللغة و صحاح العربية)، اسماعيل بن حماد جوهري، بيروت: دارالعلم للملايين، اول، ١٤١٠ق.
- صحيح ابن حبان، ابن حبان، بي جا، مؤسسة الرسالة، الثانية، ١٤١٤ق.
- صحيح البخاري، البخاري، بي جا، دارالفكر للطباعة والنشر والتوزيع، ١٤٠١ق.
- صحيح شرح العقيدة الطحاوية، حسن بن علي السقاف، عمان - الأردن: دارالإمام النووي، الأولى، ١٤١٦ق.
- صحيح مسلم، مسلم النيسابوري، بيروت: دارالفكر، بي تا.
- الطبقات الكبرى، محمد بن سعد بن منيع البصري الزهري، بيروت: دار صادر، الاولى، ١٩٦٨م.
- علل الدارقطني، الدارقطني، الرياض: دار طيبة، الأولى، ١٤٠٥ق.
- علل الشرائع، الشيخ الصدوق، النجف الأشرف: منشورات المكتبة الحيدرية ومطبعتها، ١٣٨٦ق.
- عون المعبود شرح سنن أبي داود و معه حاشية ابن القيم، محمد أشرف بن أمير بن علي بن حيدر العظيم آبادي بيروت: دارالكتب العلمية، الثانية، ١٤١٥ق.
- الفتاوى الكبرى، ابن تيمية، بيروت: دارالكتب العلمية، الأولى، ١٤٠٨ق.
- الفتح الرباني من فتاوى الإمام الشوكاني، محمد بن علي بن محمد بن عبد الله الشوكاني اليمني، صنعاء: مكتبة الجيل الجديد، بي تا.
- فضل الصلاة على النبي ﷺ، الجهضمي، بيروت: المكتب الإسلامي، الثانية، ١٣٩٧ق.
- الفقه الإسلامي و أدلته، وهبة بن مصطفى الزحيلي سورية: دارالفكر، الرابعة، بي تا.
- فقه السنة، سيد سابق، بيروت: دارالكتاب العربي، بي تا.
- الفقه على المذاهب الأربعة، الجزيري عبد الرحمن بن محمد عوض، بيروت: دارالكتب العلمية، الثانية، ١٤٢٤ق.
- الفهرست، ابو جعفر محمد بن حسن طوسي، نجف اشرف: المكتبة الرضوية، اول.
- في ظل أصول الإسلام، الشيخ السبحاني، قم: مؤسسة إمام الصادق عليه السلام، ١٤١٠ق.
- كتاب الأم، الإمام الشافعي، بيروت: دارالفكر للطباعة والنشر والتوزيع، الثانية، ١٤٠٣ق.

- كتاب الصلاة، الشيخ محمد على الأراكى، بى جا، مكتب المؤلف رحمه الله، الأولى، ١٤٢١ق.
- كتاب العين، خليل بن احمد فراهيدى، قم: نشر هجرت، دوم، ١٤١٠ق.
- كشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام، محمد بن حسن فاضل هندی اصفهاني، قم: دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزة علميه قم، اول، ١٤١٦ق.
- كشف المشكل من حديث الصحيحين، ابن الجوزي، الرياض: دار الوطن للنشر، الأولى، ١٤١٨ق.
- الكشف و البيان عن تفسير القرآن (تفسير الثعلبي)، أبو إسحاق أحمد بن إبراهيم، بيروت: دار إحياء التراث العربي، ١٤٢٢ق.
- كنز العمال، المتقى الهندي، بيروت: مؤسسة الرسالة، ١٤٠٩ق.
- لسان العرب، ابن منظور ابو الفضل جمال الدين محمد بن مكرم، بيروت: دار الفكر للطباعة و النشر والتوزيع - دار صادر، سوم، ١٤١٤ق.
- لوامع صاحبقراني، اصفهاني، مجلسي اول، محمد تقى، مؤسسها اسماعيليان، قم: دوم، ١٤١٤ق.
- مجمع البحرين، طريحي، فخر الدين، كتابفروشى مرتضوى، تهران: سوم، ١٤١٦ق.
- مجموعة الفتاوى، ابن تيمية، بى جا، طبعة الشيخ عبد الرحمن بن قاسم، بى تا.
- المحلى، ابن حزم، بى جا، دار الفكر، بى تا.
- المحيط فى اللغة، كافي الكفاة صاحب بن عباد، بيروت: عالم الكتاب، اول، ١٤١٤ق.
- مرآة العقول فى شرح أخبار آل الرسول، محمد باقر بن محمد تقى مجلسي تهران: دارالكتب الإسلامية، دوم، ١٤٠٤ق.
- مسند ابن راهويه، إسحاق بن راهويه، المدينة المنورة: مكتبة الإيمان، الأولى، ١٤١٢ق.
- مسند أبى داود الطيالسى، سليمان بن داود الطيالسى، بيروت: دارالمعرفة، بى تا.
- مسند أبى يعلى، أبويعلى الموصلى، بى جا، دارالمأمون للتراث، الأولى، ١٤٠٧ق.
- مسند أحمد، الإمام أحمد بن حنبل، بيروت: دار صادر، بى تا.
- المسند الصحيح، أبو الحسن مسلم بن الحجاج القشيري النيسابورى، بيروت: دار إحياء التراث العربى، بى تا.
- المصباح المنير فى غريب الشرح الكبير للرافعى، احمد بن محمد مقرئ فيومى، قم: منشورات دارالرضى، اول، بى تا.

- المصنف، ابن أبي شيبة الكوفي، بيروت: دارالفكر للطباعة والنشر والتوزيع، الأولى، ١٤٠٩ق.
- المصنف، عبد الرزاق الصنعاني، بي جا، بي تا.
- معالم المدرستين، السيد مرتضى العسكري، بيروت: مؤسسة النعمان للطباعة والنشر والتوزيع، ١٤١٠ق.
- المعجم الكبير، أبو القاسم سليمان بن أحمد الطبراني الرياض: دارالصمعي، الأولى، القاهرة: مكتبة ابن تيمية، الثانية، ١٤١٥ق.
- معجم مقائيس اللغة، ابوالحسين، احمد بن فارس بن زكريا، قم: انتشارات دفتر تبليغات اسلامي حوزة علميه قم، اول، ١٤٠٤ق.
- معرفة السنن و الآثار، أحمد بن الحسين البيهقي، بيروت: دارالكتب العلمية، بي تا.
- معرفة الصحابة، أبو نعيم أحمد بن عبد الله بن أحمد بن إسحاق بن موسى بن مهران الأصبهاني، الرياض: دارالوطن للنشر، الأولى، ١٤١٩ق.
- المغنى، عبد الله بن قدامه، بيروت: دار الكتاب العربي للنشر والتوزيع، چاپ جديدة بالأوفست، بي تا.
- مفردات ألفاظ القرآن، حسين بن محمد راغب اصفهاني، سوريه: دارالعلم - لبنان: الدار الشامية، اول، ١٤١٢ق.
- من لا يحضره الفقيه، الشيخ الصدوق، تحقيق، تصحيح و تعليق: على أكبر الغفاري، قم: مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، الثانية، بي تا.
- منتخب مسند عبد بن حميد، عبد بن حميد بن نصر الكسي، بي جا، مكتبة النهضة العربية، الأولى، ١٤٠٨ق.
- المنتقى من السنن المسندة، ابن الجارود النيسابوري، بيروت: دارالجنان للطباعة والنشر والتوزيع / مؤسسة الكتب الثقافية، الأولى، ١٤٠٨ق.
- الموطأ، الإمام مالك، بيروت: دار إحياء التراث العربي، ١٤٠٦ق.
- نصب الراية، الزيلعي، القاهرة: دارالحديث، الأولى، ١٤١٥ق.
- نظم المتناثر من الحديث المتواتر، الشيخ محمد جعفر الكتاني، مصر: دارالكتب السلفية للطباعة والنشر، الثانية المصححة، بي تا.
- الوافي، محمد محسن بن شاه مرتضى فيض كاشاني، اصفهان: كتابخانه امام اميرالمؤمنين علي عليه السلام، اول، ١٤٠٦ق.
- وسائل الشيعة، الحر العاملي، قم: مؤسسة آل البيت لإحياء التراث بقم المشرفة، الثانية، ١٤١٤ق.

- الوهابيون و البيوت المرفوعة، السنقرى، تحقيق: لجنة من العلماء، بي جا، الثانية، ١٤١٨ ق.
- الهداية إلى بلوغ النهاية، أبو محمد مكى بن أبى طالب القرطبى المالكى، جامعة الشارقة، الأولى، ١٤٢٩ ق.
- «برسى و نقد دیدگاه آلبانى در تحریم بنای مساجد برقبور»، زرنوشه فراهانى، حسن، اندیشه نوین دینی، ١٤٠١ ش، ش ٦٨.
- «پژوهشى درباره حدیث اللهم لاتجعل قبرى و ثنا يعبد»، محمد اصغرى نژاد، سراج منیر، ١٣٩٣ ش، ش ١٤.
- «نگاه تطبیقى دیدگاه وهابیت و مذهب حنفى در موضوع مسجد قرار دادن قبور اولیا»، محمد باقر حیدرى نسب، حسین رجبى، على ابراهيم زاده، نشریه سلفى پژوهى، ١٣٩٥ ش، ش ٤.
- پایگاه‌های اینترنتی: پایگاه تخصصی وهابیت پژوهی و جریان‌های سلفی؛ موسسه تحقیقاتی ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف؛ حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت؛ مسلمنا و...

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی